

ساعت شنی

شورش مسلحانه ایل قشقایی در فارس



۲۸ فروردین ۱۳۴۳ در تهران اعلام شد که ایل قشقایی بر دامنه مخالفت خود با اصلاحات ارضی افزوده و افراد مسلح این ایل همزمان به چند پاسگاه انتظامی در فیروزآباد فارس حمله برده و در جریان این تعرض، تلفاتی وارد آمده است. اعلامیه دولت وقت (دولت حسنعلی منصور) حکایت داشت که برای تنبیه این افراد، از تهران نیروی کمکی و از جمله هنگ چهارم ژاندارم (مستقر در پادگان ژاندارمری واقع در خیابان مولوی تهران – اینک در اختیار نیروی انتظامی) با ۱۲ زره پوش به محل اعزام شده است. قبلا و در زمان نخست وزیری علم، چند واحد ژاندارم و سرباز به فیروزآباد فرستاده شده بودند.

مخالفت ایل قشقایی از زمان نخست وزیری امیراسدالله علم آغاز شده بود که ۱۷ سفندماه ۱۳۴۲ پس از ۱۹ ماه و ۱۹ روز نخست وزیری کناره گیری کرده و حسنعلی منصور بر جایش نشسته بود. علم اصلاحات ششگانه از جمله اصلاحات ارضی و ملی شدن جنگل‌ها را پس از تصویب این اصول در فرادهم ششم بهمن ۱۳۴۱ اجرایی کرده بود و مخالفان اصلاحات ارضی را هواداران فنودالیسم و ضد انقلاب (انقلاب سفید) و ضد اصلاحات می‌خواند.

اجرای برنامه اصلاحات ارضی در فیروزآباد فارس (منطقه ایل قشقایی) با مخالفت رو به رو شده بود و این مخالفت به تدریج با قتل ملک عابدی رئیس سازمان اصلاحات ارضی محل، رنگ مسلحانه به خود گرفته بود _ علم که در بلوچستان نفوذ داشت تصمیم به استخدام چریک بلوچ برای سرکوب قشقایی‌ها گرفته بود و حتی چند نفر را برای انجام این برنامه به بلوچستان فرستاده بود که ژاندارمری مخالفت کرد و لذا، چند دسته ژاندارم از تهران و یگان‌هایی از لشکرهای فارس، خوزستان و اصفهان به فیروزآباد اعزام شدند. (اعزام هنگ ۴ ژاندارم در زمان نخست وزیری منصور صورت گرفت)

طولی نکشید که شورش قشقایی‌ها سرکوب شد و مسببان این یاغیگری دستگیر و به دادگاه نظامی تحویل و محاکمه آنان از تیرماه همان سال (سال ۱۳۴۳) آغاز شد.

←

شکست حمله به گویا موسوم به نبرد خلیج خوک ها



جان اف کندی رئیس جمهوری وقت آمریکا ۱۷ آوریل سال ۱۹۶۱، کمتر از سه ماه از آغاز زمامداری اش با شکست یک تعرض نظامی به گویا رو به رو شد. نقشه این تعرض در دوران حکومت آیزنهاور که ۲۰ ژانویه آن سال پایان یافته بود طرح شده و در نیمه اپریل با حمایت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به اجرا در آمده بود.

طبق این طرح، صدها تن از فراریان کوبایی که توسط آمریکا مسلح شده بودند و شماری دیگر، در منطقه خلیج خوک ها به خاک کوبا حمله بُرند که این تعرض شکست خورد و ۲۴۳ تن از حمله‌کنندگان اسیر شدند که بعدا فیدل کاسترو هر کدام از آنان را با یک تراکتور معاوضه و آزاد کرد.

دشمنی دولت آیزنهاور با دولت کاسترو در کوبا از زمانی آغاز شد که کاسترو اعلام کرد یک سوسیالیست است و نظام کوبا سوسیالیستی خواهد بود و سپس دست به مَلّی کردن شرکت‌ها و کسب و کار آمریکاییان در کوبا زد. قدمت فعالیت بازرگانی بعضی از موسسات آمریکایی در کوبا به اوایل قرن ۲۰ و اندکی پس از پیروزی آمریکا در جنگ با اسپانیا در سال ۱۸۹۸ می‌رسید.

حزب سوسیالیست کوبا (پیرو مار کسسیم ــلنینیسم) در سال ۱۹۲۵ تاسیس شده بود. این حزب پس از پیروزی انقلاب کاسترو در ۱۹۵۹ به تدریج زمام امور این کشور را به دست گرفته بود. فیدل کاسترو که مبارزه اساسی خود را از ۱۹۵۳ آغاز کرده بود پس از یک شکست، در سال ۱۹۵۹ از تبعید به کوبا بازگشت و ۹۶ هزار انقلابی مسلح به دیکتاتوری باتیستا پایان داد. دولت واشنگتن در آغاز کار گمان نمی کرد که کاسترو کمونیست باشد و چیرگاری را خصلت هر انقلابی می‌دانست.

۲۴ آوریل ۱۹۶۱ کندی مسئولیت شکست حمله به خلیج خوک‌ها را که طرح آن در زمان او به اجرا در آمده بود پذیرفت و از آن زمان بود که روابط آمریکا با کوبا تیره تر و دولت کوبا هم به کشورهای سوسیالیستی نزدیکتر شد.

کریستف کلمب در نخستین سفر دریایی خود به سوی غرب، در ۱۴۹۲ به کوبا رسید و این جزیره را از مستملکات اسپانیا اعلام داشت که این سلطه تا پایان قرن ۱۹ ادامه داشت و پدر کاسترو از مهاجران اسپانیایی بود.

←

روزی که آشوریان شهر شوش را ویران کردند



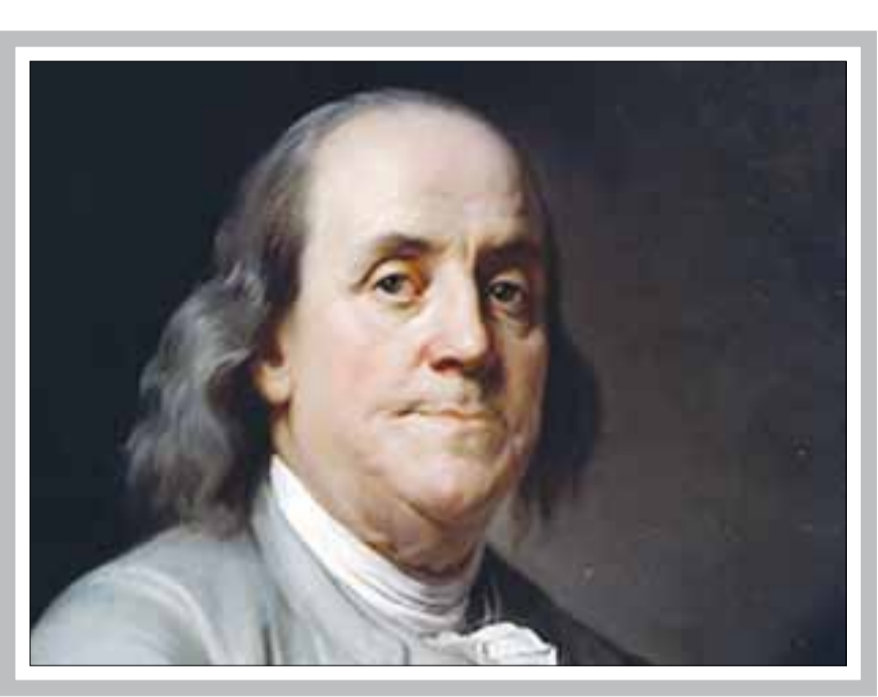
اپریل سال ۶۹۳ پیش از میلاد (در بیشتر کتاب‌های تاریخ عهد باستان؛ ۱۷ اپریل)، و پیش از تأسیس یک دولت واحد در ایران، ارتش آشور بابلیال (حکمران مناطقی در شرق مدیترانه به پایتختی نینوا- موصل- در شمال عراق امروز) شهر شوش را متصرف شد و ویران ساخت. دولت همدان (دولت طایفه ایرانی ماد ساکن مناطقی از محور ری در جهت غرب ایرانزمین] چند دهه بعد با کمک دولت بابل (به مرکزیت جنوب عراق امروز)، دولت ستمگر آشور را که به صورت یک امپراتوری درآمده بود براناختند و از صفحه روزگار پاک کردند.

دولت همدان سپس چند گروه ایرانی از طایفه ماد ارا به سرزمین آشور منتقل کرد و در آنجا سکنی داد تا مانع احیاء آن دولت ستمگر شوند و کردهای عراق، ترکیه و سوریه فرزندان همان مادها هستند که فرهنگ ایرانی خودرا همچنان حفظ کرده‌اند. شوش در دوران هخامنشیان بازسازی و پایتخت اداری و زمستانی ایران شد و کاخ آپادانا در آن بنا شد. داریوش بزرگ پس از ساختن آپادانا در شوش، بر یک لوح سنگی این جمله را نوشت که به یادگار مانده است: «به نام اهورامزدا، من این کاخ را در شوش ساختم». کار ساختن کاخ در سال ۵۲۱ پیش از میلاد پایان یافت. شهر شوش در ۱۱۰ کیلومتری شمال اهواز و ۲۸۰ کیلومتری جنوب خرم آباد قراردارد.



در سالمرگ بنجامین فرانکلین بررسی شد

استقلال طلبی به روش سیاسی



نظر بزرگ منصوب شد.

فرانکلین اصول معرفی سیزده‌گانه‌ی داشت. وی مدعی بود که خود نیز از این اصول تبعیت کرده و پیروی از آن را به همه توصیه می‌کرد. بنجامین فرانکلین، نفس خویش را به مدد امساک و برهیزگاری که از دوران جوانی بدان خو گرفته بود، مهار کرد و به خلوص آن همت ورزید. او فهرستی شامل سیزده روش سومندر در زمینه آموزش اخلاق که در تمام طول زندگی بدان پای بند بود، به صورت زیر تنظیم کرد:

خویشتن‌داری، شکم را تا مرز بلاهت شعور پر مکن و تا مرز بی‌خودی منوش.

سکوت: سخنی بران که خود یا دیگران از آن سود گیرید؛ از سخنان بی‌ثمر پرهیز کن.

نظم و انضباط: هرچیز را در جای خود قرارده و هرکاری را به وقت خود موقوف کن.

عزم و اراده: آن‌چه را که باید به انجام رسد، بدان همت گمار و آن‌چه را که بنان اراده نمودهای یوقفه و خلل به انجام رسان.

قناعت: از خرج کردن برای خود امد دیگران یا خوشنودی خویش پرهیز و چیزی را ضایع مکن.

سعی و کوشش: زمان را از دست مده، هرلحظه به کاری سودمند بپرداز، کارهای باطل را از خود دور کن.

راستی و درستی: از فریب پرهیز، اندیشه‌ها را به عصمت و حقیقت

نخستین بانویی که در آمریکا اعدام شد

در پی قتل آبراهام لینکن (لینکلن) رئیس جمهوری وقت آمریکا در یک تماشاخانه در شهر واشنگتن، هفدهم اپریل ۱۸۶۵ یک زن ۴۲ ساله به اتهام مشارکت در طرح نقشه قتل او و تشویق یک بازیگر تئاتر به این عمل، در خانه اش در شهر واتر لو واقع در جنوب ایالت مریلند دستگیر شد. لینکن را هواداران کنفدراسیون آمریکا که در جنگ داخلی شکست خورده بودند ترور کرده بودند. کنفدراسیونی‌ها خواهان کاهش نفوذ و اختیارات دولت مرکزی در ایالت‌ها بودند و در واقع، مایل بودند که ایالات متحده شکل یک جامعه مشترک المنافع را داشته باشد. بانوی دستگیر شده «مری الیزابت سورات» نام داشت و پس از محاکمه، هفتم ژوئیه ۱۸۶۵ (۱۶ تیر) به دار آویخته شد. وی نخستین زن در تاریخ ایالات متحده است که به حکم داد‌گاه اعدام شده است.

←

←

←

←

←

را شامل زبان انگلیسی، زبان‌های زنده خارجی، ریاضیات و علوم طبیعی جایگزین کرد. فرانکلین در سال‌های ۱۷۵۱ تا ۱۷۶۴ به تئاب معاونت وزارت پست را به عهده داشت. وی در سال ۱۷۵۲ دستگاه برق گیر را اختراع کرد.

وی در مجموع پانزده‌سال به عنوان نماینده پنسیلوانیا، جورجیا، نیوجرسی، و ماساچوست در انگلستان اقامت کرد. بنجامین فرانکلین در یکی از سفرهای خود از انگلیس به آمریکا در توقف کوتاهی که نصیبت شد، «نجم فلسفی آمریکا» را تأسیس کرد. او در سال ۱۷۷۵ انگلیس را به مقصد آمریکا ترک گفت و در همان سال به عضویت کنگره آمریکا درآمد و پس از مدتی به کمیته تنظیم «بیانیه استقلال ایالات متحده آمریکا» دعوت شد.

به خاطر افکار درخشان و آزادیخواهی او و همچنین در پیوند با اختراع برق گیر، درباره او چنین گفته‌اند: «او برق را از پهنه آسمان و شمشیر را از دست ستمکاران برگرفت.»

فرانکلین به اتفاق ۵۴ نفر از مقامات برجسته سیزده ایالت دیگر، بیانیه استقلال را در ۴ ژوئیه ۱۷۷۶ میلادی امضا کرد و یکسال بعد از طرف کنگره به عنوان نماینده سیزده ایالات مستقل آمریکا به فرانسه رفت و در آن‌جا به عنوان سیاستمداری بزرگ اشتهار یافت. او در پاریس به عضویت لژ فراماسونری فرانسه در آمد و ولتر نیز از او پیروی کرد. فرانکلین از سال ۱۷۷۹ تا ۱۷۸۲ به مقام ریاست آن لژ برگزیده شد.

فرانکلین در تمام دوران زندگی به انتشار رسالات، مقالات و پند و اندرز در هر زمینه و هر مقوله‌ای پرداخت. زندگی‌نامه خود را که در سال ۱۷۷۱ آغاز کرده بود، ناتمام گذاشت. او با بیشتر بزرگان عهد خویش مکاتبه داشت و نامه‌های بی‌شماری از وی به یادگار مانده است.

بنجامین فرانکلین در سال ۱۷۸۶ به آمریکا بازگشت و به عنوان ریاست عالی اجرایی شورای پنسیلوانیا و در سال ۱۷۸۷ به مقام دبیر کل جامعه شد. برده‌داری برگزیده شد و در ۱۷ آوریل ۱۷۹۰ میلادی در سن هشتاد و چهارسالگی در پنسیلوانیا درگذشت.

هنگامی که بیست و سهسال بیشتر نداشت، شرحی به مضمون زیر برای مفره خود نوشت:

«این آراگاه بنیامین فرانکلین ناشر است که برای تغذیه کره‌ها، مانند جلدی از کتابی کهن که نبشته‌هایش پراکنده و بی‌نام و عاری از تذهیب، اما بی‌خلی که بر محتوای آن آید، به خاک سپرده‌اند. باشد تا به باور خویش به شیوه‌ای نو و آراسته، به ویراستاری خود نویسنده تجدیدپاچ گردد.»

به هر روی، بنجامین فرانکلین نقشی کم‌نظیر در تاریخ استقلال ایالات متحده آمریکا ایفا کرد. نقشی که تنها می‌توان مشابه‌اش را در شخصیتی نظیر آبراهام لینکلن یافت. فرانکلین از آن رو بسیار حائز اهمیت است که توانست ماجرای استقلال ایالات متحده را در قالب فضای دیپلماتیک و با حداقل هزینه‌های نظامی سرپا به انجام رساند.

رد خون و خاکستر در شوش

یونانیان و ورود آنان به شوش، این شهر دیگر هرگز آن شکوه و عظمت را بازنیافت. نقل است که اسکندر در شوش دستور داد تا سردارانش از دختران نجیب‌زاده ایرانی همسرانی برای خود برگزینند. سربازان اسکندر قبل از عزم‌ت ایشان به فلات مرکزی ایران، بسیاری از آثار باشکوه هخامنشی در شوش را ویران کردند و شهر در غم شکست ایرانیان به سوگ نشست.

پس از روی کار آمدن سلوکیان شوش به عنوان یک مرکز تجاری، به صورت تقریباً مستقلی اداره می‌شد. چنین وضعیتی تا پایان دوره اشکانی حاکم بود. از معدود آثار مکتوبی که از سلوکیان به دست آمده، کتیبه‌هایی است که در شوش یافت شده است. سلوکیان برای ایجاد ارتباط تجاری قوی‌تر میان شوش و سرزمین‌های دیگر اقدام به کانال‌کشی رودخانه کارون کردند و بدین‌ترتیب ادویه و کالا از هند و عربستان از طریق دریا در بازار شوش تجارت می‌شد.سکه‌های یافت شده در شوش حقایق زیادی از دوره سلوکیه و اشکانی روشن کرده است. در دوره پارتیان شوش متاثر از کشمکش ایران و روم بود و یونانیان به همراه بقایای ایلامی و یهودی و سایر ملل ساکن در شوش اکنون قسمتی از کشور پهنوار اشکانی بودند.

در دوره ساسانیان شوش به همراه شوشتر و جندی‌شاپور به عنوان مراکز اقتصادی تولید و صادرات ابریشم به اقصی نقاط جهان مطرح بودند. در ابتدای دوره ساسانی و اواخر پادشاهی شاپور دوم شورش و ناقرمائی بوجود آمد در شوش بوسیله حمله شاپور با قیال فرود نشست و شهر به ویرانه‌ای مبدل شد که آثار آن هنوز در شوش وجود دارد. پس از این حادثه شهر شوش به ایران خروشه‌شاپور به معنی شکوه ایران به دست شاپور تغییر نام داد و در شمال شهر شوش شهر کرخادی لادان ساخته شد که بعدها به ایران آسان کرکواد به معنی کواد ایران را آرام ساخت تغییر نام داد. در این زمان پس از شکست روم از ایران و انتقال اسرای رومی به شمال خوزستان این منطقه تحت‌تاثیر حضور آنان قرار گرفت. با نفوذ مسیحیت شوش به قسمتی از نواحی اسقفی قرار گرفت. با ظهور مانی و آیین او تمام منطقه غرب و شرق تحت‌تاثیر آیین او قرار گرفت و در نهایت مانی در زمان بهرام یکم و با فشار موبدان در زندان بیلاداد (گندی شاپور) از توابع شوش کشته شد.

بحرین بهانه مناقشه صدق و انگلستان



(امارات) پایگاه نظامی دایر کند. تصمیم فرانسه به استقرار نظامی در خلیج فارس که از طریق بررسی‌های کمپانی نفتی خود، توتال نقشه‌های ذخایر نفت و گاز آف شور ایران را به دست آورده تامل برانگیز تلقی شده بود. تعجب در این است که این دولت پنج قرن پس از ورود اروپاییان به آب‌های مشرق زمین قصد استقرار در خلیج فارس و به فاصله کوتاهی از آب‌های ساحلی ایران را کرده بود. مجموعه متغیرهایی که طی این دوران بیش از ۶۰ ساله رخ داده است، نشان می‌دهد وضعیتي که قبل تر توسط دولت ملی دکتر محمد مصفق پیش‌بینی شده بود، صحیح بوده و روز به روز از میزان نفوذ ایران در منطقه کاسته شده است. جالب‌تر آن‌که اکثریت مردم تبعه بحرین هم با حاکمیت آن مخالفت جدی داشته و طی سال‌های اخیر بر خوردهای بسیار تندیی با آن‌ها شده است. حکومت در دست اقلیتی است که کوچک‌ترین همراهی و همدلی با مردم و بخش اکثریت جامعه نداشته و در تلاشند تا با حمایت دولت‌های بیگانه سعی در کنترل وضعیت امنیتی کشور داشته باشند. این برخوردها لحظه به لحظه شدیدتر شده و حکومت بحرین امروزه دست به تصفیه فیزیکی هم می‌زند.

اقدامی که بدون شک با حمایت دولت‌های دست‌نشانده منطقه و در راستای منافع قدرت‌های استعماری انجام می‌شود. دولت دکتر مصدق ۲۸ فروردین سال ۱۳۳۱ (۱۷ آوریل ۱۹۵۲) نسبت به دیدار مشاور امور خارج دولت انگلستان از بحرین شدیداً اعتراض کرد و این عمل را مداخله در امور ایران اعلام داشت. دولت انگلستان در پاسخ اعتراض دکتر مصدق گفت که بحرین یک منطقه تحت الحمایه آن دولت است، و از آن پس اختلاف دو دولت در این زمینه هم گسترش یافت. مطبوعات ناسیونالیست‌های ایرانی (غیر چپ و غیر متمایل به غرب) در مقاله هایی نوشته بودند که ادامه تحریک انگلستان از این دست، سبب خواهد شد که اگر روزگاری هم بخواهد از خلیج فارس خارج شود،به شیوخ منطقه تعهد دفاع نظامی خواهد سپردو ترتیباتی خواهد داد که قدرت‌های دیگر جای فیزیکی انگلستان را در خلیج فارس بگیرند و بازهم ایرانیان توانند به حق تاریخی خود برسند. مرور زمان درستی این پیش بینی ناسیونالیست‌های ایرانی را ثابت کرد. به این ترتیب که نه تنها تعهدات دفاعی انگلستان و در نتیجه نفوذ این دولت در منطقه خلیج فارس به جای خود باقی مانده که یک نمونه اش در اوایل دهه ۱۹۶۰ و در دفاع از کویت در برابر تهدید عراق (نژرال قاسم) مشاهده شد بلکه خلیج فارس (به مرکزیت بحرین) پایگاه ناوگان پنجم آمریکا شده و فرانسه هم اواخر دهه یکم قرن ۲۱ ابراز تمایل کرد که می‌خواهد در ابوظبی

^[1] در خلیج فارس که از طریق بررسی‌های کمپانی نفتی خود، توتال نقشه‌های ذخایر نفت و گاز آف شور ایران را به دست آورده تامل برانگیز تلقی شده بود

^[2] در خلیج فارس که از طریق بررسی‌های کمپانی نفتی خود، توتال نقشه‌های ذخایر نفت و گاز آف شور ایران را به دست آورده تامل برانگیز تلقی شده بود